

بسمه تعالی

اربعین؛ کانون حیات تاریخ

محمد عالم‌زاده نوری

اربعین ۱۴۳۳ زمستان ۱۳۹۰

معجزه را پدیده‌ای دانسته‌اند که بشر عادی از آوردن آن ناتوان است و با حساب و کتاب معمولی و مادی نمی‌توان تحقق آن را امید داشت. معجزه، به کارگیری اسباب فرامادی است و تصرف در عالم خاک به مدد سرّ هستی. روزه‌ای به ملکوت عالم است و درنوردیدن قوانین عالم عنصری. دریدن حجاب عالم شهود است و ارتباط با عالم غیب.

«معجزه» قوانین دنیای زمینی را در پرتو نظامات آسمانی بر هم می‌زند و می‌شکافد و از دل این لایه رویین، نقبی به راز هستی می‌گشاید و نوری از عالم معنا می‌افشاند.

بسیاری از پیامبران الهی برای اثبات حقانیت خود معجزه آورده‌اند و بدان، ارتباط با حقیقت عالم و باطن آن را نمایانده‌اند. اما هیچ یک از ما در عهد انبیای بزرگ الهی نبوده و اثر اعجاز‌آمیز آنان را ندیده‌ایم. جز قرآن کریم معجزه جاوید پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم که سند حیات آخرین شریعت الهی و نشان افتخار و بالندگی اسلام است.

اما آیا در عصر پرهیاهوی ما و در هنگامه این همه ادعا و غرور که از تسخیر فضا و شکافت اتم و فن‌آوری اطلاعات برای بشر امروز پدید آمده همچنان از معجزه‌ای می‌توان یاد کرد؟ در زمانه‌ای که قدرت علمی بشر بسیاری از امور ناشدنی و مستبعد را تحقق بخشیده آیا می‌توان همچنان از امری غریب که فوق توان مادی بشر باشد سراغ گرفت؟ ...

آری! یک رخداد غریب و یک حادثه منحصر به فرد و غیر قابل باور همه ساله در گوشه‌ای از عراق عرب پیش روی میلیون‌ها انسان محقق می‌شود و همه جهانیان را به تحدی می‌کشاند ...

... معجزه حسین، معجزه مکتب اهل بیت

همه ساله در ایام اربعین حسینی دست قدرت خدا از اعماق باطن عالم بیرون می آید و به محبت آل محمد (ص) و عشق اباعبدالله قدرت نمایی می کند.

یک رخداد به ظاهر ساده: این که شیعیان مکتب حسین ع همه ساله در ایام اربعین از نقاط مختلف عراق و نیز از سایر کشورها برای زیارت امام خود به سوی کربلای معلی حرکت می کنند. بسیاری با پای پیاده از منزل خود و برخی نیز با وسایط نقلیه تا نجف و از آنجا پیاده تا کربلا ...

ولی آیا کسی باور می کند که این بزرگترین گردهمایی کل تاریخ بشریت با حضور قریب هفده میلیون انسان بدون هیچ گونه دعوت و تبلیغ و اطلاع رسانی و بدون هیچ گونه فراخوان و سازماندهی و برنامه ریزی و بدون هیچ گونه نظام و مدیریت، هر سال بهتر از سال قبل در یک نقطه محروم و مظلوم برگزار گردد؟

برترین اجتماعات تاریخ بشر را نام ببرید. کدام یک از آنان بدون فراخوان و بدون اطلاع رسانی و کاملاً خودجوش و مردمی برگزار شده است؟

شما هم مانند همه دیگران هیچ عامل دنیوی سراغ ندارید که بتواند دهها میلیون انسان را در شرایط مشقت بار و پرتعبی به قرارگاهی کشاند و برای چندین روز سرپا نگاه دارد. اما در گوشه ای از این دنیای پرغوغا، یک نیروی بسیار مهیب و یک انرژی بسیار غریب، میلیون ها انسان را از جوان و کودک و پیر، سالم و علیل، زن و مرد، ضعیف و قوی، باسواد و بی سواد، عالم و عامی، فقیر و غنی، کوچک و بزرگ و ... به بیابان می کشاند تا بدون هیچ الزام یا دعوتی مسافتی دست کم به طول ۸۰ کیلومتر را با پای پیاده در شرایطی بسیار دشوار بپیمایند و عشقی را بنمایانند ...

آنهم بی اعتنا به خطر ناامنی و احتمال ترور و اخبار متوالی انفجاراتی که مرتب دهها بل صدها کشته و زخمی به جای گذارده است

... و مگر معجزه چیست؟

زیارت اربعین را از نشانه های شیعه برشمرده اند.

عن أبي محمد الحسن بن علي العسكري (ع) أنه قال: علامات المؤمن خمس صلاة الخميس وزيارة الأربعين و التختم باليمين و تعفير الجبين و الجهر بيسم الله الرحمن الرحيم.

امام حسن عسکری (ع) فرمودند: نشانه‌های مومن (شیعه) پنج چیز است؛ ۵۰ رکعت نماز (واجب و مستحب) در روز، زیارت اربعین، انگشتر به دست راست کردن، پیشانی بر خاک سودن، و بسم الله الرحمن الرحیم را بلند گفتن.

به این ترتیب نمی‌توان گفت این جمعیت خروشان بدون دعوت و فراخوان، و بدون هماهنگی و سامان‌دهی و بدون مدیریت و نظام گردآمده‌اند. دعوتی آسمانی، فراخوانی تاریخی، سامانی فرامادی و نظامی عرشی در آن وجود دارد که تنها با دیده جان، نمایان می‌شود.

مراسم زیارت اربعین در زمان دولت ظالم صدام در عراق برگزار نمی‌شده و از سال ۱۴۲۵ قمری (۲۰۰۴ میلادی) به صورت کاملاً مردمی در عراق به پا شده است. همه کسانی که در طول این سال‌ها به این زیارت مشرف شده‌اند و توفیق حضور در این سیل انسان‌های عاشق را داشته‌اند معترف‌اند که نرخ جمعیت این حرکت خروشان به صورت تصاعدی در هر سال نسبت به سال قبل افزایش یافته است.

آمار جمعیت زائران امسال که توسط دولت عراق و رسانه‌های رسمی آن اعلام شده بود حدود ۱۷ میلیون و سال گذشته حدود ۱۴ میلیون نفر بوده است. نفس چنین اجتماعی در تاریخ بشری بی‌نظیر و شگفت‌انگیز است. به یاد آوریم که بزرگترین اجتماع انسانی در تاریخ کشور ما ایران مراسم تشییع پیکر مطهر حضرت امام در سال ۱۳۶۸ بود که حدود ۱۱ میلیون نفر در آن شرکت داشتند. درصد عظیمی از این جمعیت خروشان صبح روز تشییع به مصلاهی امام آمدند و تا عصر - پس از خاک‌سپاری پیکر مطهرش - به خانه بازگشتند.

اکنون تصور کنید جمعیتی ۱۷ میلیونی چند روز در شرایط آب و هوایی دشوار - سرما و گرما و باران و گرد و خاک و ... - به سوی کربلا آیند. طی این چند روز نیاز به آب و غذا و مسکن و سرپناه و رخت‌خواب و استراحت و فضای بهداشتی و امکانات درمانی و ... چه میزان است؟

ترکیب جمعیتی

این جمعیت عظیم خروشان ترکیبی بس شگفت دارد:

مردمانی از همه ملیت‌ها: از کشورهای عربی، مانند سوریه و لبنان، قطر و کویت و یمن و بحرین و حجاز، از همه استان‌های کشور ایران، از اروپا و آفریقا، از شرق آسیا، پاکستان و هند و ...

مرد و زن و کوچک و بزرگ، پیرمردها و پیرزنهای ناتوان و برخی کسان دیگر که علی‌رغم نقص جسمانی با مشقت مضاعف یا با عصا و ویلچر در این مسیر حضور داشتند ...

خانواده‌هایی که نوعاً کودکان خود را هم همراه آورده بودند. کودکانی در کالسکه و کودکانی که بخشی از مسیر را می‌دویدند و... تکان دهنده‌تر: کودکانی در آغوش مادران و پدران در این مسیر پرتعب ...

خانواده‌هایی که یک دام مانند گوسفند یا بزغاله‌ای نیز همراه خود کرده و به دنبال می‌کشیدند تا در منای عشق قربانی‌اش کنند،

کسانی علم به دوش: با نوشته‌هایی مانند لبیک یا حسین، یا اباعبدالله، یا ابوالفضل العباس، و ...

و بسیاری با پای برهنه ...

همگی در این سفر تمرین اقتدا به حسین بن علی ع می‌کنند؛ در بریدن از همه دارایی‌ها و سرمایه‌ها و در این که برخورداری‌های خود را یکسر در طبق اخلاص نهند و سرافکننده و شرمسار از این که بیش از این در چپته ندارند به سوی محبوب تقدیم سازند ...

همگی در این سفر تمرین هجرت می‌کنند، یا نه ... هجرت کرده‌اند. هجرت به معنای ترک است. گاهی این هجرت ترک خانه و دیار و سرزمین است، گاهی ترک راحت و آسایش، گاهی ترک زن و فرزند و دوست و ... خلاصه همواره ترک تعلقات...

و من یخرج من بینه مهاجرا الی الله و رسوله ثم یدرکه الموت فقد وقع اجره علی الله

فاصله میان نجف و کربلا حدود ۸۰ کیلومتر است. تیرهای برق در وسط مسیر جایگاه دقیق زائر را مشخص می‌کنند. بیش از ۱۴۰۰ تیر که میان آنها حدود ۵۰ متر فاصله است و بر روی هر یک شماره‌ای درج شده که قرارگاه کاروان‌ها را مشخص می‌کند.

در میانه این مسیر مردمی عاشق در حرکت‌اند؛ سرهایی در گریبان و چشم‌هایی خیره و مدهوش، برخی ذکر بر لب و اشک بر گونه، برخی دست بر سینه و زمزمه‌خوان، برخی نالان و گریان، برخی سینه زنان و هروله کنان، برخی در حال گفتگو ... کاروان‌هایی که به صورت گروهی نوحه‌ای می‌سرایند و کسانی که به آهنگ روضه‌ای سینه می‌زنند.

سید الشهداء را مصباح الهدی و سفینه النجاه نامیده‌اند. یعنی هم چراغ هدایت است و هم کشتی نجات، هم جاده را می‌نمایاند و هم به خوبی می‌رساند. هم راهنمایی می‌کند و هم راهبری. هم نسخه است و هم درمان. هم باید به او نگاه کنی و درس بیاموزی هم باید به او دل بدهی و در کشتی هدایتش بنشینی تا تو را به آنجا که خاطر خواه اوست بکشد.

اشک بر حسین مایه طراوت جان است و نشاط روح. اندوه حسین شادی می‌آفریند و عزای او آرامش می‌زاید نه که غصه و افسردگی بیفزاید. با این ناله و سوگ ارتباط با عالمی برقرار می‌شود که انسان اساساً متعلق به آن است. همان نیستانی که عهد ازل در آن بسته شده است و همان باغ ملکوتی که مرغ دل در آن بار آمده است.

این اشک و ناله بر هزار قهقهه که از سر غفلت و غرور برآمده ترجیح دارد و دل‌های غمزده را شادتر و لطیف‌تر می‌گرداند. بر خلاف شادی‌های کاذب مادی که از غفلت و لغو و لهو و لعب پدید می‌آید و انسان را از قرارگاه خود دورتر می‌کند و غصه نهانی انسان را بیشتر می‌سازد، شعف و ابتهاج و طراوتی که از این ارتباط حاصل می‌شود، یک شادی حقیقی است البته به ظاهری از مقوله اشک و ناله و آه که مبدأ و منتهی و مسیر را بازگو می‌کند و انسان را در جایگاه انسانی خود مستقر می‌گرداند.

شاید اگر این مسیر طولانی را همه از سنگ‌های معدنی گران‌قیمت بلکه از طلا بپوشانند قدر و منزلت و ارزش آن را ادا نکرده و حقیقتش به جا نیاورده باشند. نه «شاید» که بی‌تردید ...

اما خدا کند این مسیر را همین گونه نگاه دارند تا طبیعت عاشورای ۶۱ هجری دست ناخورده تداعی شود و مظلومیت کاروان حسین بی‌تحریف انتقال یابد. این مسیر را همین گونه نگاه دارند تا گرد و غبار کربلا بر سر و صورت و لباس زائران نشیند و قدر و منزلت آن را بیشتر گرداند.

این مسیر مسیری است که زمانی حسین و زینب و عباس و اکبر و قاسم و کسانی که سیدالشهدا برترین اصحاب و شایسته‌ترین یاران تاریخ خواندشان از آن عبور کرده‌اند و امروز نیز بی‌شک قدمگاه امام زمان است. اگر امام عصر همه ساله در مراسم حج حضور دارد و جمعیت بی‌تاب امت اسلامی را میزبانی می‌کند بی‌تردید در میان این جمعیت گسترده شیعه حضور دارد و میزبانی آنان را بر عهده گرفته است. مگر نه این که عنایت خدا به زائران حسین بیش از زائران خانه خود در مکه مکرمه است؟

خدمات

به خوبی معلوم نیست آیا انتقال احساس به دیگران، اساساً امکان پذیر است یا محال؟ پاسخ دادن به این سوال بسیار دشوار است. گویا باید گفت انتقال کامل احساس از طریق زبان و قلم و فیلم و عکس و توصیف و تبیین امکان ناپذیر است؛ اما به هر حال و بی تردید بخشی از آن را از طریق این ابزارهای پرلکنت می توان انتقال داد و اگر این اعتقاد نمی بود اکنون قلم در دستان نمی گردید.

صحنه های شگفتی که در این مسیر نورانی ملاحظه می شود همه تحت شمول این قاعده نه قابل توصیف است و نه قابل کتمان. پس به اندازه وسع خود از آن یاد می کنیم:

تقریباً از آغاز ماه صفر یعنی بیست روز پیش از اربعین، موکب ها - همان هیأت هایی که پذیرایی و خدمت زوار ابا عبدالله را رقم می زنند - امکانات و اقلام مورد نیاز را برای استقبال بزرگ آماده می سازند. چادرها را به پا می کنند. مواد غذایی، ظرف، رخت خواب، تجهیزات و امکانات را گرد می آورند. به نظر می رسد این مردم مهربان، دارایی خود را در طول سال جمع می کنند تا در این چند روزه به پای زائران عاشق حسین قربانی سازند.

همان گونه که زائران کربلا در این چند روز از تعلقات مادی دست می شویند و به گرد حرم یار می آیند، این میزبانان مخلص نیز از مال و دارایی و توان خود در این ایام دل برمی کنند و همه را در طبق اخلاص به ساحت ارباب تقدیم می دارند.

این جمعیت ده ها میلیونی را برای چندین روز آب و غذا دادن و رسیدگی کردن، و مشقت سفر پیاده را از دوش آنان کاستن همتی فراز می خواهد و بیش از آن عشقی خالصانه. چیزی که تا نبینی باورش نمی کنی. ببینی هم ...

جالب بلکه شگفت این که حضور امکانات دولتی در این میان بسیار نامحسوس و اندک است. جز تأمین آب این موکب ها که با تانکرهای بزرگ صورت می گیرد و برخی از ایستگاه های درمانی و یکی دو پست امداد و آتش نشانی هیچ امکان دولتی دیگری به چشم نمی آید. به وضوح مشهود است که اگر این مقدار همکاری نهادهای دولتی هم نمی بود کار میهمان نوازی و خدمت رسانی این جمعیت میلیونی بدون هیچ اختلالی توسط همین مردم پیش می رفت.

تأمین مکان استراحت چه چادر و چه ساختمان‌ها، همراه با امکانات بهداشتی، آب گرم، رخت‌خواب، تشک، پتو و بالش برای این همه زائر کمترین خدمتی است که فراهم آورده‌اند.

انواع پذیرایی در ایستگاه‌های صلواتی حیرت‌آور است؛

وعده‌های متعدد غذا: انواع پلو و خورش، لقمه‌های نان و کباب، بریانی، لوبیا، حلیم، عدسی، غذاهای محلی، آش، فرنی، ...

انواع نوشیدنی از آب خنک، چای شیرین، شربت، قهوه، آب‌میوه، نوشابه و ... که نوعاً با اصرار و التماس پیش روی زائر قرار می‌گیرد.

میوه‌های رنگارنگ که در طول مسیر به زائران عرضه می‌شود: نارنگی، پرتقال، موز، سیب، ...

سینی‌های بزرگ خرما در فواصل بسیار کوتاه در میانه مسیر که نوعاً با ارده و گاه با کنجد طعم گرفته و انرژی زائر را ترمیم می‌سازد.

گونه‌های متنوع تنقلات: از بیسکویت، کیک، چیپس، شکلات، آب نبات چوبی، نقل، و ... که برای کودکان لذت‌بخش و شیرین است، خستگی آنان را می‌زداید و تبسم آنان را می‌گشاید. همچنین سیگار برای بزرگ‌ترها ...

دام‌هایی از گوسفند و گاو و شتر که منتظرند تا پیش پای زائران ارباب قربانی شوند و بخشی از نیاز غذایی آنان را با افتخار فراهم آوردند، نانوایی‌های میان راه که نان مورد نیاز زائران را طبخ و تأمین می‌کنند.

همه انواع مایحتاج مانند تسبیح، عطر و ادکلن، جوراب و دمپایی و شارژر موبایل، سه راهی برق و نیز لوازم بهداشتی و درمانی از قرص و دارو، مراکز درمانی، دستمال کاغذی، ...

علاوه بر این ایستگاه‌های اتصال مجانی و خدمات تلفنی، ایستگاه‌های ارشاد التائیهین (راهنمایی گمشدگان)، دکه‌های اسکافی (یعنی تعمیر کفش و کیف) و نیز اقلام فرهنگی مانند اطلاعیه‌ها، برگه‌های مسائل شرعی، ادعیه، خصوصاً زیارت اربعین .. بر حیرت تو می‌افزاید.

همه خدماتی که در حق تو می‌شود تو را شرمند می‌کند اما شاید آن زمان که پیرمرد کهن‌سال ظرف آبی در دست گرفته و با اصرار پیش از غذا بر دستانت آب می‌ریزد از همه بیشتر وجود تو را منفعل می‌سازد. ...

این خادمان پاکدل برای خدمت به زوار ارباب از هم سبقت می‌گیرند و هر یک به دنبال خدمتی تازه و یا طرحی نو می‌گردند. یکی می‌پرسد در طول مسیر چه غذایی نخورده‌اید تا برایتان تهیه کنیم؟

در میان این خادمان، عالمان جلیل‌القدری که با لباس مقدس روحانیت به خدمت افتخار می‌کردند از جلوه‌های بس دیدنی بود و نیز کودکان عاشقی که به تاسی از بزرگ‌ترهای خود آب و چای و دستمال و برگه‌های دعا و اقلام فرهنگی توزیع می‌کردند و پیرمردان چروکیده کهن‌سالی که به اصرار پیش روی تو خم می‌شدند و با پذیرایی آب و میوه و غذا عرض ارادت می‌کردند.

در این مسیر نور تقریباً هر چه اراده کنی همان لحظه برای تو آماده است. مانند بهشت ...

تشنه می‌شوی؟ نگاهت را اندکی بچرخان میز آب را می‌بینی یا سقایی که با ظرف آبی به اصرار از تو می‌خواهد افتخار این خدمت را به او بدهی. گرسنه‌ای؟ انواع غذاها و خوراکی‌ها برای تو آماده است. کودکت گریه می‌کند؟ انواع خوراکی‌ها و تنقلات می‌یابی. هر جا که اراده کنی چای و قهوه هست. خسته‌ای؟ هر جا نیاز به استراحت داری در کنار مسیر صندلی و گاه مبل می‌بینی. چادرهایی برای خوابیدن و سرویس بهداشتی نیز ...

همه چیز در اختیار ... همه چیز در دسترس ...

دوستی دیرین را پس از چند سال در میانه راه دیدم. گفتم چه جای خوبی و چه ملاقات جان‌فزایی. کاش در بهشت نیز باهم باشیم. گفت: مگر بهشت جز همین جاست؟ راست می‌گفت. مگر بهشت جز کوی حسین ع است و مگر چه کسی بهشت را بی‌حسین تقاضا دارد؟! ...

از جلوه‌های دیگر این سفر مردم مهمان‌نواز عاشقی هستند که از روستاهای اطراف به مسیر اصلی راه‌پیمایی می‌آیند و با اصرار زائدالوصفی تقاضا می‌کنند شام را مهمان آنان باشی و شب را در منزل آنان بگذرانی و منزل آنان را به نور قدم‌های زائران حسینی متبرک و منور گردانی، آنگاه انواع اسباب پذیرایی با عشق و شور برای تو تهیه کرده‌اند؛ از غذا و رخت‌خواب و آب گرم برای حمام و حوله و ... که انگشت حیرت تو را بی‌اختیار به سوی دندان می‌برد و چشمان تو را از شدت شگفتی خیره و اشکبار می‌سازد.

نزدیک کربلا که می‌رسی مقداری از تراکم این خدمات در جاده کم می‌شود. دو احتمال برای این حکایت وجود دارد. یکی این که جمعیت انبوه زائران لحظه به لحظه رو به ازدیاد رفته و خدمت‌رسانی دشوارتر شده

است. دوم این که تقریباً از نیمه راه رفت و آمد ماشین‌های خصوصی ممنوع شده و جاده مجاور تنها در اختیار تریلی‌های ۱۸ چرخ عظیم‌الجثه‌ای است که با کانتینرهای بزرگ جابجایی مسافران را بر عهده دارند. در این شرایط آوردن تدارکات مورد نیاز جز از بیراهه غیرممکن به نظر می‌رسد. تدابیر امنیتی هم این موضوع را دشوارتر می‌کند.

در میان این خدمات از همه زیباتر و شیرین‌تر میهمان‌نوازان مخلص و مهربانی که زائر کوفته و رنجیده را به دستان عاشق خود مشت و مال می‌دهند یا بدن خسته و پاهای پر آبله آنان را مرهم می‌نهند و به زبان لطف، دل‌جویی و رسیدگی می‌کنند. ماساژ و مشت و مال، کوفتگی حاصل از این راه‌پیمایی طولانی را به خوبی از بین می‌برد و طراوتی وصف‌ناشدنی برایت پدید می‌آورد و آلام و تعب تو را می‌زداید.

گویا بی‌اختیار به خود می‌گویی این جمعیت خسته و بی‌رمق که توان حرکت خود را از عشق به حسین ع به دست آورده است در میان راه نه تازیانه خورده و نه بر خار مگیلان گذشته و نه بر شتر بدون کجاوه و عمارت سوار شده و نه اندامش به زیر غل و زنجیر، بی‌حائل بر پشم خشن شتر ساییده و نه دشنام و ناسزا و سخن درشت شنیده و تحقیر شده و نه آتش از بام بر سر و روی او باریده است.

آن وقت به یاد کاروان سوگوار زینب و سجاد می‌افتی که ای کاش کسی دست و پای مجروح آنان را مرهم می‌نهاد و کوفتگی سفر سخت آنان را می‌گرفت و کسری از این لطف سرشار و از این هزار مهربانی نصیبشان می‌ساخت ...

بهره‌های این سفر

تمام کارکردهای معنوی و اجتماعیِ گردهمایی بزرگ حج - حتی از جهاتی برتر و کامل‌تر - در این سفر مشاهده می‌شود. از حیث جمعیت حدود ۶ برابر جمعیت حج در زیارت اربعین حضور می‌یابند. از حیث مشقت به مراتب از سفر حج دشوارتر و سنگین‌تر است. اقل مسافت پیاده‌روی از نجف تا به کربلا است که حدود ۸۰ کیلومتر است؛ در حالی که بیشترین پیاده‌روی در سفر حج به ۲۰ کیلومتر نمی‌رسد. امکانات عمومی این سفر همه مردمی است؛ در حالی که در سفر حج دولت عربستان تمام نیروی خود را برای برقراری باشکوه مراسم حج بسیج می‌کند. ترکیب جمعیتی کاملاً یک دست و همه شیعه‌اند؛ در حالی که در سفر حج از فرق مختلف اسلامی حضور دارند. در سفر حج هر کاروان برای خود نوعی استقلال دارد و جز در مراسم واجب حج (طواف و سعی، وقوف در عرفات و مشعر و مراسم منی)، مرز پنهانی میان خود و

دیگران احساس می‌کند در جذب امکانات، در انتخاب مکان، در برنامه ریزی و ... در حالی که در این سفر همه با هم همراه می‌شوند و در طول این مسیر در متن یک جمعیت میلیونی همه با هم و با یک آهنگ حرکت می‌کنند؛ همه بر سر یک سفره و یک گونه پذیرایی می‌شوند و همه با هم از امکانات یکنواخت موجود بهره می‌گیرند.

همان گونه که مراسم با شکوه حج میعادگاه سالیانه امت اسلامی است و قدرت بی‌نظیر حضور اسلام را می‌نمایاند و احساس هویت مشترکی پدید می‌آورد، اجتماع بی‌نظیر زیارت اربعین هم میعادگاه سالیانه شیعه در بزرگ‌ترین کانون شیعی جهان و بزرگ‌داشت بزرگ‌ترین حماسه تاریخ بشری است و احساس هویت مشترک شیعیان جهان را در پی دارد. همه ما قدرت عظیم امام حسین (ع) را در بسیج توده انسان‌ها با آغاز ماه محرم و دهه عاشورا درک کرده و شاهد بوده‌ایم اما زیارت اربعین در مقایسه با آنچه در شهرها و محلات رخ می‌دهد به سان مراسم حج در مقایسه با مراسم نماز جمعه است! اگر مشاهده عظمت و معنویت حج و اعلام حضور در آن برای هر انسان مسلمانی از آن جهت که مسلمان است دست کم یک بار در تمام عمر واجب است بی‌تردید اعلام حضور و ابراز ارادت در زیارت اربعین و مشاهده این عظمت بی‌نظیر و معنویت همراه با عشق و شور و حماسه نیز برای هر شیعه عاشقی از آن جهت که پیرو مکتب اهل بیت است ضروری است.

این گردهمایی در ایجاد پیوند قلبی و احساس برادری و اخوت میان شیعیان بی‌نظیر است. همگان بر سر این سفره گسترده چندان لطف و محبت دریافت کرده‌اند که از صمیم جان شرمسارند و در این مدرسه احسان اهل محبت و احسان بار آمده‌اند. زائری گفت تصمیم گرفته‌ام به شهر خود که رفتم به همه خدمت کنم و به خانه خود که رفتم به اهل خانه خود محبت کنم. آنها هم دوست‌دار و موالی امام حسین هستند. نیت کرده‌ام که خادم آنان شوم و به این نیت به آنان احسان کنم.

از دیگر برکات این سفر معنوی افزایش ایمان زائران است. مشاهده تجلیات ایمان دیگران، ریشه ایمان را در جان مستحکم می‌گرداند. آنها هم این ایمان عمیق در این مقیاس و با این وسعت. ...

مصدق کونوا دعاء الناس بغير السنتمکم ...

آینده این سفر

دو سوال مهم در باره این خروش عظیم ذهن هر بیننده‌ای را می‌نوازد؛ یکی این که این موج خروشان با چه نیرویی و با چه اذنی پدید آمده است؟ این سوال تنها در صورتی بی‌جواب می‌ماند که اعجاز و ارتباط با غیب عالم را نپذیرفته باشیم. این انرژی متراکم و این حماسه خارق العاده جز به نیروی خون حسین جاری شدنی نبوده و نیست.

دوم این که این داستان به کجا خواهد انجامید؟ اگر این افزایش تصاعدی جمعیت با همین آهنگ و شتاب ادامه یابد این موج خروشان به کجا خواهد رسید؟ آیا انتقام خون حسین در امتداد این پویش پرتین گرفته خواهد شد؟ آیا این رودخانه‌های خروشان بهم وصل خواهد شد و شبکه حرکت شیعی جهانی را تشکیل خواهد داد و اوضاع جهان را دگرگون خواهد ساخت؟ بی‌تردید ...

گویا ظهور آخرین حجت خدا (عج) به همین حرکت موج گره خورده است. امام عصر در صبح ظهور، خود را به جدش حسین (ع) معرفی می‌کند. بنابراین پیش از ظهور آن حضرت، حسین بن علی باید شخصیتی جهانی و شناخته شده داشته باشد تا - به زبان منطقیان - معرف از معرف اجلی و اعرف باشد. یعنی آنگاه زمینه ظهور فراهم می‌گردد که جهانیان با نام حسین آشنا باشند. این تلاطم جمعیت انسانی عزای حسین را در جهان اقامه خواهد ساخت و آوازه سید الشهداء را بر بام جهان منعکس خواهد کرد و زمینه ظهور فرزند رشیدش مهدی را به عنوان منتقم خون او و مصلحی که جریان اصلاحی حسین را به سرانجام می‌رساند فراهم خواهد کرد.

به این ترتیب این جریان مستمر تاریخی روز بروز متمرکزتر و فشرده‌تر می‌گردد و سیل خروشان پدید می‌آورد که بنیان ظلم و کفر و نفاق را بر باد خواهد داد ...

سرزمین عراق خصوصا کربلا و نجف ذخیره تاریخ است. چه رازی در این سرزمین وجود دارد که عمده پاکان تاریخ، پیامبران بزرگ فضیلت، و منادیان خوبی‌ها و ارزش‌ها در این سرزمین حضور یافته اند. مسجد سهله و مسجد کوفه سرّ غریبی در دل دارد. مقام حضرت آدم، حضرت نوح، خانه ابراهیم خلیل، مقام امام زین العابدین، امام جعفر صادق، یادگار عبادت‌ها، مناجات‌ها و نیز کرامت‌ها و قضاوت‌های امیرالمومنین، کشتی نوح، توبه آدم، جان فشانی مسلم بن عقیل و هانی بن عروه، و ...

از طلوعه خلقت انسان، آدم ابوالبشر در نجف اشرف حضور یافته و در مسجد کوفه عبادت کرده است و در پایان تاریخ نیز امام آخرین عج در مسجد سهله اقامت خواهند داشت و مسجد کوفه را مرکز فرماندهی و حکومت خود خواهند ساخت.

یک کانون مشترک که خوبان و پاکان در آنجا اعلام حضور و تجدید پیمان می کردند و همواره بر روی نوار بلند تاریخ قرارگاهی بوده که همه خوبان را به هم متصل می ساخته و دست آنان را در دست یکدیگر می نهاده و پیوند و اتحادی میان آنان برقرار ساخته است.

حال و هوای عراق با مدینه و مکه هم متفاوت است. توگویی ارتباط با کل تاریخ برقرار می کنی. جای همه انبیا و اولیا قرار می گیری و به همه انبیا و اولیا اقتدا می کنی. احساس پیوند و اعلام پیوند با آنان می کنی.

پیشنهادها

سروصدای بلندگوهایی اطراف

این سفر یک سفر معنوی و یک سلوک روحانی است که نیاز به آرامش و خلوت دارد. اما متأسفانه سر و صدای فراوان محیط و بلندگوهای نامهربانی که با صدای خشک و گوشخراش خود مداحی های تند عربی را به گوش زائر فرومی کنند آرامش لازم برای این عروج آسمانی را بر هم می زنند و فرصت خلوت را تنگ می کنند. بگذریم که برخی زائران به همین نوای دلسوز مداحی سینه می زنند و گریه می کنند اما کثرت انواع صداها و ریتم ها و شدت و قوت سیستم ها کلافه کننده و بی سامان است و نیاز به مدیریت قاطع دارد.

به نظر می رسد بهترین پیشنهاد برای این حرکت، نوای زنده خود مردم در طول مسیر و زمزمه سرودهایی است که باید از پیش آماده و آموخته شود. وقتی زائر امام حسین خود در عزاداری شریک می شود احساس قرابت بیشتری می کنند و خستگی نمی شناسد. همان گونه که در دسته های سنتی عزاء، همه ی جمعیت، حضور فعال دارند و از این حضور احساس شغف و نشاط می کنند.

حضور دولت

همان گونه که پیش از این هم گفتیم عمده خدمات این گردهمایی بزرگ به صورت مردمی ارائه می شود. این موضوع شکوه و عظمت کار را بسیار افزوده است. این حضور مردمی را باید قدر شناخت و پاس داشت.

بی‌شک حضور دولت و نهادهای حکومتی در این حرکت توفنده از جلال و ابهت آن می‌کاهد. اما علی‌رغم این موضوع اگر سازمان‌های بزرگ دولتی همتی در برآوردن نیازهای کلان این زائران - که از دست توده مردم بر نمی‌آید - داشته باشند بر شعاع آن افزوده‌اند. از باب نمونه کار توسعه سریع حرم مطهر ابا عبدالله و گشودن راه‌های بسته اطراف حرم یا تقویت ایستگاه‌های مخابراتی برای ارتباط آسان تلفنی یا ایجاد خط آهن موصلاتی برای بازگرداندن این همه زائر از کربلا به سایر شهرها قطعا از مردم ساخته نیست و انتظار می‌رود دستگاه‌های دولتی در این میدان انجام وظیفه کنند. البته رسیدگی‌هایی در حد پذیرایی و خدمات جزء را مردم به خوبی بر عهده دارند و هرگز برای انجام آن منتظر دولت نیستند.

ثبیت مستند

بی‌تردید این حادثه بزرگ باید به گوش همه جهان برسد و این معجزه شگفت در پیش روی همه مردم عالم قرار گیرد و در ابعاد جهانی تأثیر گذارد. اما گویا کمتر کسی به فکر ثبت این حماسه عظیم و گزارش مؤثر آن است. در طول این مسیر ده‌ها کیلومتری به ندرت می‌توان عکاس یا فیلمبرداری سراغ گرفت. برای مردم عراق این همه کاملاً عادی است. در حد یک وظیفه که باید به صورت مستمر و بی‌منت انجام پذیرد و بلکه بدان افتخار شود. این همه خدمت و اخلاص یک تکلیف عادی است و یک برنامه معمول و جاری که قابل گفتن به شمار نمی‌آید. این قدر عشق و ابتهاج و اخلاص و شرف موج می‌زند که هیچ زحمتی به چشم نمی‌آید، و هیچ اقدامی بزرگ جلوه نمی‌کند و هیچ ماجرابی عجیب نیست. اما برای میهمانانی که برای اولین بار به این صحنه چشم می‌دوزند قدم به قدم عظمت و شکوه است، لحظه به لحظه بزرگی و شگفتی است و همه چیز گفتنی و نوشتنی و ستودنی ...

انواع خدمت‌ها، انواع خادمان، ترکیب جمعیت، هیأت‌ها، مشقت‌ها و ... که باید برای هریک مستندی بلکه مستندهایی تهیه کرد و به برترین شیوه نشرش داد.

تهیه مستندی از مشقت‌های این سفر قطعا از باب گلایه و شکوا نخواهد بود بلکه به هدف انعکاس اوج عظمت این حرکت استثنائی است که علی‌رغم این همه دشواری و رنج چگونه این ده‌ها میلیون انسان در این مسیر زرین قدم می‌گذارند و نیروی محرک این موج خروشان را تأمین می‌کنند؟

نماز جماعت

یک موضوع عجیب و دور از انتظار این که در طول این مسیر و در میان این همه جمعیت، نماز جماعتی مشاهده نمی‌شود! با اینکه مردم عراق به اصل نماز و نیز به نماز اول وقت به خوبی اهمیت می‌دهند و برای آن فرهنگ‌سازی کرده‌اند اما در برگزاری نماز جماعت بسیار کند و بی‌اعتنا می‌نمایند. هنگام اذان در حسینیه‌ها و خیمه‌ها جمع می‌شوند و هر کس برای خود نمازی می‌خواند و می‌رود. این موضوع را یک بار در جمع ۵۰ نفره‌ای که برای نماز ظهر و عصر گرد آمده بودند و هر یک نماز خود را به تنهایی اقامه کردند طرح کردم و توضیح خواستم. هیچ کس توضیح روشنی نداشت و معلوم شد که این ویژگی تنها از سر غفلت و ناآگاهی است و کاملاً زمینه اصلاح و ترمیم دارد.

به امید این که جماعت‌های مستحکم و بنیان‌های مرصوص به این ظرفیت منحصر به فرد فرهنگ شیعی بیفزاید و دل‌های پراکنده را به هسته یک‌پارچه بندگی و ولایت تبدیل کند و آنچه باید در فرجام تاریخ صورت پذیرد هر چه زودتر به سرانجام رسد.